

حسین یکتا

امتیاز نفت شمال ایران و رقابت سه قدرت روسیه، انگلستان و آمریکا

رازها، امتیازها!

مقاله‌ای که پیش رو دارید، یکی از مهمترین و سرنوشت‌سازترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران، یعنی واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه و بعدها انگلستان و آمریکا را مورد بررسی و کاوش قرار داده است و دست‌های آلوده‌ای را که موجب بروز این خسران بزرگ سیاسی-اقتصادی برای ملت ایران گردیدند برای خواننده رو می‌سازد. این ماجرا که با صدور فرمانی از سوی ناصرالدین شاه قاجار به محمدرولی خان تنکابنی - وزیر خزانه‌داری و گمرک وقت - برای بهره‌برداری از منابع نفتی برخی از مناطق شمال صادر گردید، رشته‌ای پس دراز گشت که تا نهضت ملی شدن نفت ادامه یافت. شرح و تفصیل این واقعه تاریخی را در سطور آتی مطالعه فرمایید.



منابع عظیم ثروت‌های خدادادی ملت ایران در یکی دو قرن اخیر مورد طمع قدرت‌های خارجی بوده است. در واقع بخش عظیمی از تاریخ معاصر ایران، تاریخ رقابت‌های آشکار و نهان قدرت‌هایی نظیر روسیه و انگلیس و بعدها شوروی سابق و آمریکا برای کسب امتیازات مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی در ایران بوده است. یکی از موضوعات مهم و اصلی رقابت بین این قدرت‌های صاحب نفوذ در ایران در اوایل قرن بیستم میلادی، امتیاز نفت شمال ایران بود. بررسی پیشینه این موضوع نشان می‌دهد که چگونه چند قدرت استعماری با استفاده از ضعف دولت‌های ایران، برای تصاحب منابع ثروت ملت ایران همه اصول و قوانین بین‌المللی را که خود مدعی وضع و تدوین آن بوده‌اند، زیر پا گذاشته و از هر وسیله ممکن برای خارج کردن رقیب از صحنه رقابت بهره‌جسته‌اند. و گاه برای به غارت بردن منابع ملتی، در پشت پرده با هم کنار آمده و به تقسیم ثروت و غنائم پرداخته‌اند. امتیاز نفت شمال ایران از این لحاظ موضوع بکری برای مطالعه رفتار قدرت‌های خارجی ذینفع در آن است؛ رفتاری که یادآور جدال گرگ‌ها بر سر صید است و ماهیت چپاولگر آنان را از پس نقاب شعارهای دروغین تمدن پیشرفت نشان می‌دهد. با چنین چشم‌اندازی، در این نوشتار تلاش می‌شود با بررسی موضوع امتیاز نفت شمال ایران، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که راز ابراز دوستی و توجه قدرت‌های خارجی به ایران چیست؟ آیا آنان عاشق چشم و ابروی ملت ایران هستند و به تاریخ، تمدن و فرهنگ ایرانی علاقه دارند و یا چشم طمع به ثروت این ملت دوخته‌اند؟ تاریخ نشان می‌دهد که تنها یک فرضیه اثبات شده برای این پرسش‌ها وجود دارد و آن این که همه قدرت‌های خارجی به «منافع ملی» خود می‌اندیشند و تنها اصل خدشه‌ناپذیر و همیشگی دوستی‌ها و دشمنی‌های آنان با ملت‌های دیگر، منافع ملی است. باز تاریخ می‌گوید که این قدرت‌ها اگر منافع ملی خود را در نابودی ملتی ببینند، از آن دریغ نمی‌کنند. رفتار سه قدرت شوروی (سابق)، انگلستان و آمریکا در قبال امتیاز نفت شمال ایران، موضوع مورد بررسی این نوشتار است تا با استفاده از یک پدیده تاریخی، الگوی رفتاری آنان بازنمایی شود؛ الگویی که تنها به زمان گذشته تعلق ندارد، بلکه در شرایط فعلی هم مصداق‌های بسیاری برای آن وجود دارد. در واقع رفتار چهارکشور روسیه تزاری، شوروی سابق، انگلستان و

اولین امتیاز نفت شمال

آمریکا با چهار سیستم سیاسی و فرهنگی - ایدئولوژیک متفاوت با هم مقایسه می‌شود.

ناصرالدین شاه قاجار در بهمن ماه ۱۲۷۴ شمسی (شعبان ۱۳۱۳) با صدور فرمانی اجازه استخراج نفت را در سه محل تنکابن، کجور و کلارستاق مازندران به محمدرولی خان تنکابنی (سپهسالار اعظم) وزیر خزانه و گمرک وقت اعطا کرد. این فرمان به مدت بیست سال به دلیل فقدان امکانات اکتشاف و حفاری معطل ماند تا این که در ششم بهمن ۱۲۹۴ مطابق با ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ به دنبال ائتقاد قراردادی بین محمدرولی خان تنکابنی که در این زمان وزیر جنگ کابینه مستوفی الممالک بود و «آرکادی مفودیویویچ خوشداریای گرجی تمام حقوق آن به مدت ۹۹ سال به خوشداریای انتقال یافت. متن کامل این قرارداد ۱۰ ماده‌ای که به طور غیررسمی ترجمه شده، به شرح زیر است:

«قرارداد فیما بین حضرت اشرف سپهسالار اعظم و آقای خوشداریا کمپانی

ماده اول: من - سپهسالار اعظم - نظر به مندرجات فرمان پادشاهی مورخه شعبان ۱۳۱۳ که به موجب آن امتیاز معادن نفت محال ثلاثه تنکابن و کجور و کلارستاق به من داده شده است، اظهار می‌دارم و کمپانی خوشداریا را مأمور می‌نمایم که تمام اقدامات لازمه را برای اجرای امتیاز مذکور به عمل آورد. برای این مقصود و به جهت این که امور راجعه به اکتشاف و حفر معادن آسان شود، اظهار می‌دارم که امتیاز مذکور با تمام حقوق راجعه به آن از تاریخ حال تا نود و نه سال به کمپانی خوشداریا واگذار می‌نمایم و اصل فرمان مذکور هم که به مهر و امضای اعلی‌حضرت مرحوم ناصرالدین شاه مهور و ممضی [امضا شده] و به مهر وزرای اعلی‌حضرتی نیز مهور است، از جمله مرحوم مجدالدوله وزیر علوم و معادن است. این نکته را هم اظهار می‌دارم که از تاریخ این ورقه در تمام مدت مسوولیت اجرای فرمان مذکور به عهده کمپانی خوشداریا یا ذوالحقوق خواهد بود.

ماده دوم: من - کمپانی خوشداریا - حق دارم تجسسات لازمه در معادن نفت در مدت یک سال از تاریخ آخرین جنگ و صلح دولت روسیه با سایر دول متخاصم به جا بیاورم.

ماده سوم: من - خوشداریای کمپانی - متعهد هستم در صورتی که پیدا نمایم برای خودیم یک استخراج معادن نفت در مدت معین شده نظر به ماده دوم تقدیم نمایم به حضرت اشرف پنجاه هزار منات بدون عوض. همچنین تقدیم نمایم صد هزار منات از قرار پوطی بنا به ماده پنجم این قرارداد. در این صورت مبلغ صد هزار منات پرداخته خواهد شد و بعد از قرار کسر خواهد شد. **ماده چهارم:** اگر تا مدت آخر وعده یعنی در مدت یک‌سال از روز قرارداد صلح دولت روسیه با سایر دول متخاصم از عهده برنمایم، من نخواهم پرداخت شرایط استخراج معادن نفت را که پنجاه هزار منات بدون عوض و صد هزار منات از بابت حساب پوطی باشد و آن وقت من خوشداریای کمپانی تمام اختیارات خود را از دست می‌دهم، یعنی آنچه در این قرارداد به من واگذار شده است.

ماده پنجم: برای انجام این کارها که من پیدا کنم یک استخراج نفتی متعهد هستم بدهم به حضرت اشرف از

هر یوطی یک کوپیک تا زمانی که نفت حاصل شود در محل اطراف این امتیاز یا رعایت ماده سوم این قرارداد که از بابت صد هزار منات مساعده محسوب خواهد شد. **ماده ششم:** تمام حقوق در این امتیاز که در شعبان هزار و سیصد و سیزده اعلی حضرت مرحوم ناصرالدین شاه واگذار کرده است به من، همچنین خوشناریای کمپانی آزاد است و واگذار کند به یک نفر یا یک تجارتخانه که دارای اوراق سهام باشد. در این صورت قبول کننده این امتیاز به عهده می گیرد تمام شرایط این قرارداد را و همچنین قرارداد پولی که منعت حضرت اشرف تقدیم می شود و همچنین تمام موازین قرارداد را.

ماده هفتم: در تمام اطراف که می شود نفت استخراج کرد، من که سپهسالار اعظم هستم حق دارم این که نگاه دارم یک نفر نماینده برای مواظبت مقدار نفت استخراج شده در هر صورت نماینده حق مداخله در مورات داخلی این اداره را ندارد به جز این که ناظر در استخراج نفت باشد.

ماده هشتم: نه من سپهسالار اعظم و نه اشخاصی که ز طرف به آنها اختیار واگذار می شود به هیچ وجه می تواند نقض کند این امتیاز را و تعیین بدهند و خوشناریای کمپانی یا اشخاصی که امتیاز از طرف من به آنها واگذار شده کاملا و مرتبا بایست انجام بدهیم بواد این قرارداد را.

ماده نهم: موعد این قرارداد معین می شود در مدت نود و نه سال با همین قرارداد حق تجدید خواهند داشت. **ماده دهم:** تمام مذاکرات در باب این قرارداد حل می شود در محکمه نه نفری که طرفین نماینده تکمیت محکمه سه نفری، حکمیت خواهد داشت برای طرفین.^۲

این قرارداد یک ماه پس از امضا در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۱۱ مطابق با ششم اسفند ۱۲۹۴ به شماره ۳۰ در دفتر بت استاد وزارت امور خارجه ایران به ثبت رسید. به این ترتیب اولین امتیاز نفت شمال کشور به یک تبعه نارچی واگذار شد فردی که بعدها نقش بیشتری در محنه سیاسی ایفا کرد.

خوشتاریا چه کسی بود؟

رکادی مقدونیویچ خوشتاریا یکی از عناصر مرموز در زری های سیاسی مربوط به نفت شمال ایران بود که با خود ایفای نقش قابل توجهی در قضیه قرارداد نفت حال، کمتر شناخته شده است. براساس اطلاعات وجود خوشتاریا در جوانی باغبان قصر پرنس «الدين روسکی» یکی از بزرگترین شاهزادگان دربار روسیه اری بود که به همراه خدم و حشم پرنس در کاخ لاقی او در شهر باطوم به خدمت اشتغال داشت. این رد متوسط اندام، با ابروانی پرپشت و چشمان سیاه و درین حال بسیار باهوش و زیرک، درصدد برآمد به هر جو ممکن وضع زندگی خود را تغییر دهد. به همین لت تلاش کرد تا هر چه بیشتر به پرنس نزدیک شود. که به نقطه ضعف ارباب خود پی برده بود و او را اسیر همت و زینارگی می دید، با تدارک بساط عیش و نوش فراهم آوردن دختران و زنان زیباروی برای او، موجبات دیکی خود را با پرنس فراهم کرد؛ کاری که برای خوشتاریا ثروت بسیاری به همراه داشت.

بن وضع ادامه یافت تا این که پرنس یورسکی به ارت کل بهداری روسیه منصوب شد. خوشتاریا صت را مفتنم شمرد و از پرنس خواست تا توصیه او را

به سفیر روسیه در ایران بکند. با این توصیه نامه خوشتاریا مقارن آغاز جنگ اول جهانی به ایران آمد و از سوی پاکلیوفسکی سفیر وقت روسیه در ایران - به گرمی پذیرفته شد. او پس از مدتی توسط سفیر روسیه تقاضای ملاقات با رئیس الوزرای وقت ایران - مستوفی الممالک - را کرد و پس از انجام هماهنگی های لازم خوشتاریا با او دیدار و ملاقات کرد. پس از این دیدار اتومبیل و شوفرش را به رئیس الوزرا اهدا کرد و امتیاز قطع درختان شمال ایران را به دست آورد. به دنبال آن به شمال کشور مسافرت کرد و زیر نظر یک مهندس آلمانی الاصل به نام نیورت به طراحی و ساخت چند دودکش عظیم به سبک کارخانه های بزرگ اقدام نمود و در اطراف آن چند ساختمان چوبی بنا نهاد و در حالی که کارگران با سوزاندن کاه، دود غلیظی از دودکش ها به هوا می فرستادند، عکس هایی از این دودکش ها گرفت. سپس با آلبومی از عکس راهی مسکو شد و اعلام کرد که در ایران کارخانه های بزرگ نجاری و تهیه چوب ایجاد کرده است.

به این ترتیب با جلب حمایت پرنس الین بورسکی توانست به فروش سهام اقدام کند و چون پرنس بورسکی هم جزو سهامداران بود، تعداد زیادی از تجار معتبر روسیه نیز به خرید سهام خوشناریا علاقه مند شدند. در نتیجه مبالغ هنگفتی پول به دست آمد.

خوشتاریا با در دست داشتن این پول به ایران بازگشت و در منطقه ای میان انزلی و رشت یک کارخانه برق و چوببری احداث کرد و راه آهن کوچک بین پیر بازار به رشت را بنا نهاد. اما این اقدامات با اوج نهضت جنگل همراه بود. خوشتاریا فرصت را غنیمت شمرد و عمدا تمام کارخانه و دستگاه های چوببری را به آتش کشید و با جعل یک سری اسناد و استشهاد محلی و همچنین به کمک پرنس، منافع سهامداران را از بین رفته اعلام کرد. سپس با پول سهامداران که ده میلیون روبل بود، به استانبول رفت و آنجا بانک بزرگی افتتاح کرد.

با شروع انقلاب سوسیالیستی در روسیه در سال ۱۹۱۷ و فرار اشراف و شاهزادگان آن کشور به کشورهای همسایه، خوشتاریا به خرید جواهرات این اوارگان پرداخت و از طریق هم به سرمایه هنگفتی دست یافت. پس از چندی و همزمان با به قدرت رسیدن رضاشاه در ایران، خوشتاریا بار دیگر عازم ایران شد و بنای دوستی با رضا شاه و تیمور تاش را گذاشت. او در گراند هتل ساکن شد و با دادن مهمانی های پرخرج برای اشراف و دولتمردان، هر چه بیشتر به آنان نزدیک شد. پس از مدتی در منطقه میان پشته قصر مجللی بنا نهاد و در یکی از مهمانی ها آن را به رضاشاه پیش کش کرد. این قصر در یکی از زمستان های سرد که مهمانی بزرگی در آن برپا بود، طعمه حریق شد و از بین رفت و رضاشاه بنای جدیدی را ایجاد کرد که به کاخ میان پشته پهلوئی معروف شد. با چنین اقداماتی خوشتاریا نفوذ زیادی در میان دولتمردان ایران یافت و با استفاده از نفوذ روسیه در ایران، به کسب امتیاز نفت در مناطق مختلف کشور به ویژه در شمال و سمنان پرداخت^۳ و همان طور که پیش از این بیان شد، اولین امتیاز نفت را از محمولوی خان تنکابنی به دست آورد.

روسیه تزاری و امتیاز نفت شمال

محمولوی خان تنکابنی در ۹ مهر ۱۲۸۸ شمسی پس از گذشت چند ماه از فتح تهران به دست مشروطه خواهان

امتیاز نفت شمال ایران از این لحاظ موضوع بکری برای مطالعه رفتار قدرت های خارجی ذینفع در آن است؛ رفتاری که یادآور جدال گرگ ها بر سر صید است و ماهیت چپاولگر آنان را از پس نقاب شعارهای دروغین تمدن پیشرفت نشان می دهد

همه قدرت های خارجی به «منافع ملی» خود می اندیشند و تنها اصل خدشه ناپذیر و همیشگی دوستی ها و دشمنی های آنان با ملت های دیگر، منافع ملی است

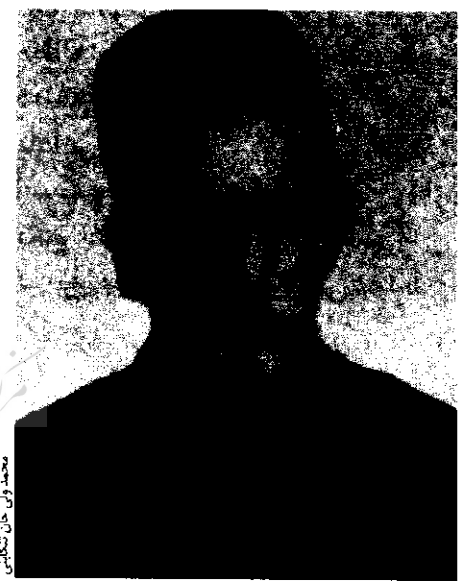
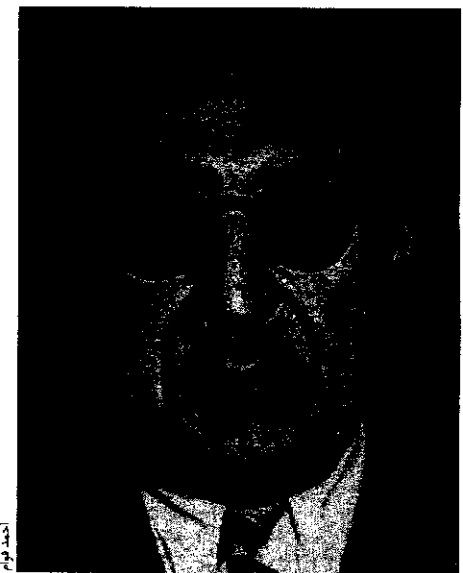
و پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه در تهران، به نخست‌وزیری منصوب شد و اولین کابینه کامل پس از پیروزی مشروطه‌خواهان را تشکیل داد. او که یکی از دو سردار فاتح تهران بود، پیش از قبولی پست نخست‌وزیری، در هیات دولتی که بدون رئیس‌الوزرا پس از فتح تهران تشکیل شده بود، سمت وزارت جنگ را به عهده داشت.

به هر حال محمدولی خان تنکابنی زمانی به نخست‌وزیری رسید که مجلس شورای ملی تعطیل بود و نیروهای ارتش تزاری روسیه سرتاسر شمال ایران را اشغال کرده بودند. دولت روسیه که از قرارداد میان خوشتاریا و تنکابنی اطلاع یافته بود، فرصت را مغتنم شمرد و با اعمال فشار بر سپهسالار اعظم کوشید تا حوزه آن قرارداد را به سراسر شمال ایران تعمیم و گسترش دهد. به همین منظور خواستار اعطای امتیاز نفت شمال ایران به خوشتاریا شد و خروج نظامیان خود را از خاک ایران به اعطای این امتیاز مشروط کرد.^۴ در نتیجه این فشارها، دولت سپهسالار مجبور شد «امتیاز استخراج نفت و موم طبیعی معدنی» را در سال ۱۲۹۴ شمسی (۱۹۱۶ میلادی) به خوشتاریا و در واقع به روسیه تزاری اعطا نماید.

در قرارداد ۱۲ ماده‌ای که میان محمدولی خان تنکابنی نخست‌وزیر و وثوق‌الدوله وزیر خارجه وقت ایران با خوشتاریا منعقد شد، حق انحصار کشف و استخراج نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی در حوزه استان‌های گیلان، مازندران و استرآباد به استثنای منطقه امتیاز واگذاری به سپهسالار به مدت هفتاد سال به خوشتاریا داده شد. براساس این قرارداد، صاحب امتیاز موظف بود پس از رسیدن به نفت یکصد هزار منات نقره و یکصد هزار منات بلیط اکسیون بدون حق استرداد و همچنین هر ساله از منافع خالص صدی شانزده به دولت ایران بدهد؛ کلیه عمده و کارگران را از اتباع ایران به کار گمارد و پس از انقضای مدت قرارداد کلیه اسباب و ماشین‌آلات و ابنیه و ساختمان‌ها و کلیه چاه‌ها و چشمه‌های نفت را بدون استثنا به دولت ایران تحویل دهد.

دولت ایران هم موظف شده بود اراضی مورد نیاز شرکت را مجانی در اختیار آن قرار دهد و از اخذ حقوق گمرکی برای اسباب و ماشین‌آلات وارداتی شرکت خودداری نماید.^۵ (ضمیمه ۱ تصویر قرارداد نفت شمال) اما این قرارداد هم سرنوشتی بهتر از قرارداد اول تنکابنی - خوشتاریا نداشت و هرگز به مرحله اجرا درنیامد. چرا که با انتشار خبر انعقاد این قرارداد مخالفت‌ها با آن بالا گرفت. ماهیت تحمیلی آن و نبود مجلس به عنوان تنها مرجع قانونی اعطای امتیازات دستمایه این مخالفت‌ها را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر شرکت نفت انگلیس و ایران نیز از ترس آن که رقیبی در سرزمین ایران برای آن پیدا شود و بازار نفت جهانی را از دست آن خارج کند، به مخالفت با آن برخاست و با استفاده از عناصر انگلوفیل درون کابینه کوشید زمینه‌های لغو قرارداد را فراهم آورد.

در اثر این فشارها بود که وقتی صمصام‌السلطنه روی کار آمد، اولین اقدام کابینه خود را لغو امتیاز خوشتاریا قرار داد. همزمان با این اقدامات، بخت هم به یاری ملت ایران آمد و با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، زمامداران شوروی کلیه امتیازات غیرمشروع را که در عهد تزاری با عنف و زور از ایران گرفته شده بود، به طور



یک‌جانبه ملغی کردند. به این ترتیب به نظر می‌رسید برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران، یک امتیاز استعماری بدون آن که هزینه جانی و مالی برای ملت ایران داشته باشد، لغو شده است.

انگلستان و اولین خیزش

برای تصاحب امتیاز نفت شمال

امیدواری نسبت به لغو قرارداد نفت شمال از سوی زمامداران جدید شوروی چندان نیابید، چرا که خوشتاریا پس از اعلام موضع مسکو نسبت به معاهدات و امتیازات دوران تزاری و همچنین ناکامی در به تصویب رساندن قرارداد در مجلس شورای ملی ایران، راهی اروپا شد تا شاید خریداری برای امتیاز خود بیابد. او پس از تلاش بسیار و سرگردانی در پایتخت‌های اروپایی، سرانجام موفق شد نظر مساعد اولیای شرکت نفت انگلیس و ایران را نسبت به خرید امتیاز نفت شمال ایران جلب نماید. انگلیسی‌ها که پس از انقلاب اکتبر شوروی به آرزوی دیرین خود رسیده و یکه‌تاز میدان ایران شده بودند، با دریافت پیشنهاد خوشتاریا، از آن استقبال کردند و حاضر شدند این امتیاز را به مبلغ یکصد هزار لیره خریداری کنند. به این ترتیب، به دنبال خرید امتیاز از خوشتاریا، شرکت نفت انگلیس و ایران به تاسیس یک شرکت تابعه به نام «شرکت نفت‌های شمال ایران» با سرمایه سه میلیون لیره در لندن کرد و کوشید مقدمات اجرای آن را فراهم آورد.^۶ از سوی دیگر، در همین زمان دولت گرجستان با حمایت لندن از شوروی اعلام استقلال کرد و بهانه لازم را به اولیای شرکت نفت انگلیس و ایران داد تا اعلام کنند که قرارداد نفت شمال ایران ارتباطی به دولت روسیه سابق و شوروی پس از انقلاب اکتبر ندارد و...

خوشتاریا تبعه دولت گرجستان بود و به عنوان یک گرجی و نه روس با آن شرکت وارد مذاکره شده^۷ اما دولت وقت ایران نگران واکنش دولت شوروی بود و از گسترش حوزه فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران واهمه داشت. چرا که آن را مقدمه‌ای برای اعمال نفوذ کامل انگلستان بر سرتاسر ایران می‌پنداشت. به همین دلیل دولت ایران قرارداد خوشتاریا را فاقد وجهت قانونی خواند و اعلام کرد چون این امتیاز توسط مجلس شورای ملی به عنوان تنها مرجع قانونی اعطای امتیازات به تصویب نرسیده است، بنابراین جنبه قانونی و رسمی ندارد. همزمان با این چالش‌ها، دولت ایران در سال ۱۹۲۱ (۶ بهمن ۱۳۹۹) قراردادی را با دولت شوروی به امضا رساند که به موجب آن تمامی امتیازات واگذار شده در دوره تزاری به استثنای یک قرارداد، لغو شد. اضافه بر این در قرارداد مقرر شده بود که دولت ایران نباید در آینده هیچ امتیازی در منطقه تحت نفوذ روسیه به قدرت سومی واگذار کند.^۸ با انعقاد این قرارداد، بهانه‌هایی را که دولت ایران برای اثبات لغای امتیاز خوشتاریا نیاز داشت فراهم آمد. با وجود این، شرکت نفت انگلیس و ایران دست‌بردار نبود و اصرار داشت خودداری تبعه روسیه نبوده بلکه شهروند دولت گرجستان است و بنابراین قرارداد او با دولت وقت ایران ارتباطی به دولت شوروی ندارد؛ اما این استدلال شرکت نفت انگلیس و ایران به زودی فروپاشید، چرا که در اول فروردین ۱۳۰۰ جمهوری گرجستان به اتحاد جماهیر شوروی پیوست و از حالت یک کشور مستقل

محمد قوام

محمدولی خان تنکابنی

صمصام‌السلطنه

خارج شد. به این ترتیب نخستین اقدام دولت انگلستان تحت پوشش شرکت نفت انگلیس و ایران برای تصاحب نفت شمال ایران ناکام ماند. با وجود این، لندن از پای ننشست و با طراحی و اجرای کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ سناریوی جدیدی را در ایران به مورد اجرا گذاشت که در صورت اجرای کامل آن، دیگر نیازی به انعقاد قراردادهای استعماری همچون قرارداد نفت شمال ایران نبود. چرا که در اثر کودتا، دولتی در ایران بر سر کار آمد که ظاهری مستقل و ملی داشت، ولی به شدت تحت سیطره و نفوذ انگلستان بود. هدف انگلستان جایگزینی استعمار پنهان و غیرمستقیم به جای استعمار مستقیم در ایران بود تا حساسیت رقابتی دیرینی همچون شوروی و دولت تازه به دوران رسیده آمریکا که داعیه ضدیت با استعمار را داشت، برنینگیزد. با کودتای رضاخان علیه سلسله قاجار، مرحله نوینی در حیات سیاسی ایران آغاز شد که تاثیر بسزایی بر سرنوشت نفت ایران داشت.

آمریکا و امتیاز نفت شمال

سیاست ورود «قدرت سوم» به ضمه سیاسی ایران به منظور ختنی سازی نفوذ سنتی روس و انگلیس در ایران از زمان امیرکبیر مطرح بوده است. این سیاست در طول سال های طولانی با وجود تلاش دولت های مختلف ایران برای کشاندن پای دیگر قدرت های اروپایی نظیر فرانسه ناپلئون، آلمان دوره بیسمارک و... با واکنش شدید روسیه و انگلیس مواجه شد و ناکام ماند. با وجود این در سال های پایانی عمر سلسله قاجار، میرزا حسن خان مشیرالدوله سیاست ورود قدرت سوم در ایران را بار دیگر در پیش گرفت. او با هدف تجدید سازمان نظام مالی آشفته کشور و بازسازی اقتصاد آن و مقابله با رقابت انحصاری روس و انگلیس، دست به سوی قدرت تازه نفس آمریکا دراز کرد.^۹ در این زمان، ایالات متحده آمریکا با پیروی از سیاست «درهای باز» در میان ملت های استعمارزده جهان، جایگاه و اعتباری کسب کرده بود. در ایران نیز مخالفت دولت آمریکا به قرارداد ۱۹۱۹ و توثیق الدوله و حمایت از ایران در کنفرانس صلح و رسای سبب محبوبیت یادی برای آن کشور شده بود. ملت و دولت ایران که ز دخالت های آشکار و پنهان روسیه و انگلیس در امور کشور به شدت نگران بودند، در مقابل تنفر شدید از این دو قدرت استعماری، از سیاست نزدیکی به آمریکا حمایت می کردند. به همین منظور، حسین علا - وزیر مختار ایران در واشنگتن - با انتشار اعلامیه ای تمایل ولتمردان ایران را برای واگذاری امتیاز نفت در پنج بابت شمالی به اطلاع مقامات و شرکت های نفتی آمریکایی می رساند.^{۱۱}

با انتشار این خبر، دولت انگلستان بلافاصله در آبان ۱۲۹۴ نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران را به تهران رساند تا در خصوص دریافت امتیاز نفت در ایالات نرسان و آذربایجان که جزو امتیاز خوششاری محسوب می شد، مذاکراتی را با مقامات ایرانی انجام دهد؛ اما به محض ورود نماینده شرکت به تهران، وزیر مختار آمریکا در تهران از دولت ایران خواست هرگونه مذاکره درباره نفت شمال را تا ورود نمایندگان شرکت های آمریکایی به تعویق اندازد تا این شرکت ها بتوانند در برابر شرکت نفت انگلیس و ایران از فرصتی برابر برای سب امتیاز برخوردار شوند.^{۱۱} دولت ایران هم چنین

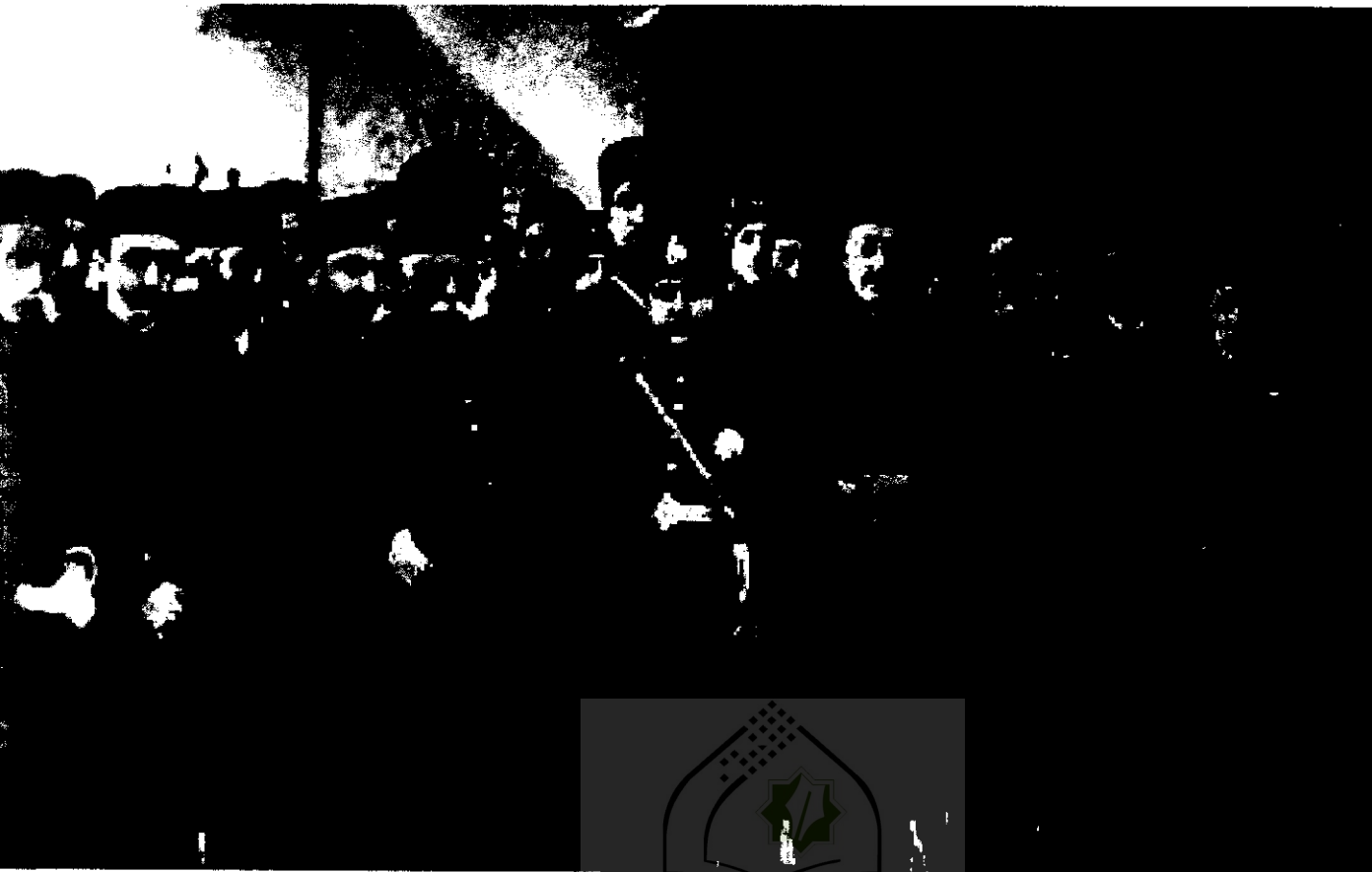
کرد و از مذاکره با نماینده اعزامی شرکت نفت انگلیس و ایران سرباز زد. متعاقب آن رئیس هیات مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران به کمیته نفت ایران در لندن اطلاع داد چون گفت و گو درباره امتیاز نفت شمال معوق مانده است، شرکت نخواهد توانست حق امتیاز دولت ایران را بابت امتیاز دارسی پرداخت کند. دولت ایران که به شدت تحت فشار مالی قرار داشت، از دولت آمریکا درخواست وامی به مبلغ ده میلیون دلار کرد.^{۱۲} اما هنوز مذاکرات برای دریافت وام آغاز نشده بود که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رخ داد و دولت سیدضیاء زمام امور کشور را به دست گرفت.

سیدضیاء که عنصری انگلوفیل بود، رغبت چندانی به نزدیکی به آمریکا نداشت و در دوره سه ماهه زمامداری او موضوع نفت شمال و مذاکره با شرکت های آمریکایی مسکوت ماند. تا این که سرانجام دولت مستعجل سیدضیاء در سوم خرداد ۱۳۰۰ سقوط کرد و قوام السلطنه - سیاستمدار کهنه کار و طرفدار جدی نزدیکی به آمریکا - به قدرت رسید. او به محض این که قدرت را در اختیار گرفت، به شدت با دریافت وام از انگلیس در مقابل اعطای امتیاز نفت شمال مخالفت کرد و به حسین علا - وزیر مختار ایران در واشنگتن - دستور داد مذاکرات محرمانه ای را با شرکت های آمریکایی برای انعقاد قرارداد نفت شمال آغاز کند. علا نیز چنین کرد و گفت و گوهایی را با مقامات شرکت استاندارد اوپل و سینکالر آمریکا در پاییز ۱۳۰۰ انجام داد و پیشنهاد ایران مبنی بر دریافت وام و کمک مالی در ازای اعطای امتیاز نفت شمال را مطرح کرد.^{۱۳} اما مقامات آمریکایی ناامنی داخلی ایران را پیش کشیدند و خواستار وثیقه معتبر برای استقرار دولت ایران شدند و اتخاذ هرگونه تصمیمی را به گزارش وزیر مختار آمریکا در تهران از وضعیت داخلی ایران منوط کردند.^{۱۴}

دولت ایران ابتدا عایدات نفت جنوب را به عنوان وثیقه پیشنهاد کرد که از طرف آمریکایی ها به خاطر احتمال مخالفت انگلستان رد شد. سپس عایدات تریاک و دخانیات مطرح شد تا موجبات رجش انگلیسی ها فراهم نشود. در این زمان، دولت قوام که به شدت با بحران مالی و ورشکستگی اقتصادی مواجه بود، تقلا می کرد که قرارداد هر چه سریع تر منعقد شود. به همین منظور در نامه ای به حسین علا صریحا خاطر نشان کرد که «هر طور است اساس امتیاز را به امضا برسانید. از سهم مجانی برای دولت صرف نظر نمایید. حق دولت را هر قدر ممکن می شود علاوه بر صدی ده نمایید...» و در پایان تاکید کرد: «... اگر به فوریت وجه از آمریکا نرسد برای کابینه امکان ملومت در کار باقی نمانده، بانک شاهنشاهی دیناری مساعدت نمی کند. انگلیسی ها شرایطی در مساعدت نمودن به بانک عنوان کردند که برای دولت قبول آنها غیرممکن و با نقشه ای که توسط جناب عالی در جریان است، مناقات دارد. در این صورت اگر وجه فوری نرسد، مجبور به استعفا خواهیم بود.»^{۱۵} شرایطی که انگلیسی ها برای اعطای وام پیش کشیده بودند و قوام در نامه به علا مطرح کرد عبارت بودند از: (۱) مذاکرات یا کمپانی استاندارد فوراً قطع شود. (۲) عایدات نفت جنوب وثیقه طرف ثالثی قرار نگیرد. (۳) امتیازات معتبر و موجود انگلیس کاملاً به تأیید و تصدیق دولت ایران برسد. (۴) امتیاز راه آهن که با سندیکای انگلیسی تحت مذاکره است به دیگری واگذار شود.^{۱۶}

ملت و دولت ایران که از دخالت های آشکار و پنهان روسیه و انگلیس در امور کشور به شدت نگران بودند، در مقابل تنفر شدید از این دو قدرت استعماری، از سیاست نزدیکی به آمریکا حمایت می کردند

سیدضیاء که عنصری انگلوفیل بود، رغبت چندانی به نزدیکی به آمریکا نداشت و در دوره سه ماهه زمامداری او موضوع نفت شمال و مذاکره با شرکت های آمریکایی مسکوت ماند



دولت قوام که به شدت با بحران مالی و ورشکستگی اقتصادی مواجه بود، تقلا می کرد که قرارداد هر چه سریع تر منعقد شود. به همین منظور در نامه ای به حسین علا صریحا خاطر نشان کرد که «هر طور است اساس امتیاز را به امضا برسانید.»

دولت قوام به شدت این شروط را رد کرد و تمام هم خود را متوجه دریافت وام از امریکا و انعقاد قرارداد امتیاز نفت شمال کرد.

اما استاندارد اوپل که به وخامت اوضاع پولی و مالی دولت ایران پی برده بود، به بیش از ۶۰ درصد حق دولت از نفت استخراجی و اعطای پنج میلیون دلار استقراض با وثیقه عایدات نفت جنوب و در صورت لزوم عایدات تریاک و توتون رضایت نمی داد.^{۱۷} قوام نیز با وجود تلاش برای به وثیقه گذاشتن عایدات تنباکو و تریاک در قبال استقراض از کمپانی، به دلیل بحران مالی چاره نیافت تا شرایط استاندارد را مبنی بر وثیقه گذاشتن عایدات نفت جنوب بپذیرد. مشروط به این که شرکت استاندارد کتبا آن را قبول کند تا بعدا امتناع نکند.^{۱۸} از سوی دیگر کمپانی استاندارد پرداخت وام را به تصویب مجلس شورای ملی ایران منوط کرد؛ اما قوام آن را در حکم معادلات عادی دولت می دانست که با بانکها انجام می شود و نیازی به مصوبه مجلس ندارد. یا وجود این متعهد شد آن را به تصویب مجلس برساند.^{۱۹}

استاندارد اوپل از انحصار انگلستان بر نفت ایران آگاهی داشت و به همین علت می کوشید موجبات برانگیختن اعتراض و خصومت انگلیسی ها را فراهم نیابد و قبل از انعقاد قرارداد امتیاز نفت شمال تا حد ممکن نظر موافق لندن را به دست آورد. نگرانی استاندارد بیشتر از امتیاز خوشنداری نشأت می گرفت.^{۲۰} به نظر استاندارد دلایل ایران برای بطلان امتیاز خوشنداریا - عدم تصویب در مجلس - قانع کننده نیست و در دوران تعطیلی شش ساله مجلس شورای ملی ایران و برقراری حکومت نظامی، دولت های موقت عملا به جای مجلس انجام

وظیفه می کردند. بنابراین امتیاز خوشنداریا قانونی بوده و انتقال آن به کمپانی نفت جنوب نیز صحیح است پس نمی توان آن را به شخص ثالثی به عنوان مثال شرکت های امریکایی واگذار کرد.^{۲۱} در مقابل، طرف ایرانی پاسخ داد با تعطیل شدن مجلس، مشروطه تعطیل نشده و مطابق با قانون اساسی ایران، قوه مجریه تحت هیچ شرایطی اجازه اعطای امتیاز به خارجیان را ندارد. همچنین حکومت نظامی نیز قوانین و مقررات خاص خود را دارد و در این دوران هیچ دولتی حق اعطای امتیاز را ندارد. بنابراین هرگاه اساس امتیاز را لغو بدانیم، انتقال و امتیاز خود به خود بی اعتبار می شود. از طرف دیگر خوشنداریا نه تنها حق انتقال امتیاز را نداشته و انتقال را به دولت ایران اطلاع نداده است، در موقع انتقال نیز دولت ایران بلافاصله دلایل خود را بر بطلان امتیاز خوشنداریا اعلام کرده و وزیر مختار انگلیس، سرپرستی کاکس نیز آن را تایید نموده است.^{۲۲}

سرانجام پس از مذاکرات طولانی، قرارداد امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت شمال ایران به مدت پنجاه سال با شرکت امریکایی استاندارد در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۱ برابر با ۲۹ آبان ۱۳۰۰ به امضا رسید. به دنبال امضای این قرارداد، دولت قوام که از کارشکنی های دولت های شوروی و انگلستان بیم داشت، به فوریت قرارداد را تقدیم مجلس شورای ملی کرد. مجلس نیز در جلسه ۳۰ آبان ۱۳۰۰ «قانون اعطای امتیاز معادن نفت شمال به کمپانی استاندارد اوپل امریکایی» را مشتمل بر ۵ ماده به تصویب رساند. این مواد پنج گانه عبارت بودند از:

ماده اول: مجلس شورای ملی واگذارند امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان، خراسان، گیلان، استرآباد و

مازندران به کمپانی استاندارد اوپیل امریکایی به شرایط ذیل تصویب می‌نماید.

ماده دوم: مدت این امتیاز بیش از پنجاه سال نخواهد بود.

ماده سوم: حقوق دولت بیشتر از صدی ده کلیه نفت است که کمپانی از چاه‌ها خارج می‌نماید قبل از آن که هرگونه خرجی بر آن تعلق گیرد.

ماده چهارم: شرایط دیگر این امتیاز از قبیل تسعیر (نرخ‌گذاری) سهم دولت در صورتی که دولت صلاح بداند و طرز تادیه آن و طرز نظارت دولت در عواید کمپانی و شرایط ابطال‌کننده امتیاز و سایر شرایط لازم برای حفظ حقوق دولت و مملکت را دولت تهیه و پس از توافق نظر با کمپانی مزبور به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود.

ماده پنجم: کمپانی استاندارد اوپیل نمی‌تواند به هیچ وجه این امتیاز را به هیچ دولت یا کمپانی یا شخصی منتقل دهد و همچنین شراکت با سرمایه‌داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است. عدم رعایت این ماده باعث سقوط امتیاز از درجه اعتبار خواهد بود.^{۳۳}

دولت قوام پس از تصویب قانون فوق، بلافاصله آن را برای توشیح به احمدشاه قاجار تسلیم داشت و احمدشاه نیز در حاشیه نامه دولت نوشت: «مقرر می‌داریم مدلول ن به موقع اجرا گذاشته شود.»^{۳۴} به این ترتیب قرارداد امتیاز نفت شمال ایران، مراحل قانونی خود را پشت سر گذاشت و آماده اجرا شد؛ اما به محض انتشار خبر و صوبی قرارداد با کمپانی امریکایی استاندارد اوپیل بین‌ال بحال بزرگی بر پا شد که سرنوشت قرارداد را به کلی تغییر داد، موضوعی که در نوشتار بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

نمایم

متن قرارداد زیر در سال ۱۹۱۶ (۱۲۹۴ شمسی) میان حملولی خان تنکابنی نخست‌وزیر و وثوق‌الدوله وزیر خارجه با خوشنداریا منعقد شد.

امتیاز استخراج نفت و موم طبیعی معدنی

مابین وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی به امر دولت از یک طرف و مسیو آرکادی مفودیوویچ خوشنداریا از لرف دیگر (من بعد برای تسهیل به جای اسم خوشنداریا صاحب امتیاز نوشته می‌شود) درخصوص نفتیش و استخراج نفت مواد ذیل مقرر گردید.

ماده اول: دولت اعلی‌حضرت شاهنشاهی ایران به وجب امتیازنامه حق انحصار کشف و استخراج نفت و از طبیعی و قیر و موم طبیعی را در حوزه ایالات گیلان مازندران و استرآباد در مدت هفتاد سال به صاحب امتیاز مرحمت و اعطای می‌فرمایند (مجال و نقاطی که به وجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ با آقای حملولی خان سپهسالار اعظم واگذار شده به کلی از ن امتیاز خارج است). ابتدا از تاریخ امضای امتیاز تا ن هفتاد سال این تفتیش و استخراج در ایالات ن‌کوره حق صاحب امتیاز خواهد بود.

ماده دوم: دولت اعلی‌حضرت شاهنشاهی ایران به احب امتیاز اجازه می‌دهد که هر وقت می‌خواهد رکتی تاسیس نماید آسامی و نظامنامه و سرمایه آن رکت توسط صاحب امتیاز معین می‌شود مشروط بر ، که در ایجاد شرکت صاحب امتیاز باید رسماً به

وزارت فوائد عامه دولت علیه اطلاع داده و همین طور نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور باید در آن نقاط عملیات نماید اظهار دارد و مدیران آن شرکت را باید به وزارت فوائد عامه معرفی نماید. در این صورت البته آن شرکت تمام حقوق امتیاز را دارا خواهد بود و مقرر است که آن شرکت باید تمهیدات و مسوولیت صاحب‌امتیاز را عهده کند.

ماده سوم: صاحب امتیاز حق دارد که بنای چاه‌های نفت و حوض‌ها و انبارها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تاسیس کارخانه و راه‌های لازم و ابنیه و هر چه که لازم دایر داشتن استخراج و حمل و نقل نفت است بنماید.

ماده چهارم: دولت علیه ایران اراضی باثره (غیر از جنگل که جزو اراضی دائره محسوب می‌شود) خود را در محل‌هایی که مهندسین صاحب امتیاز به جهت بنا و تاسیس عملیات مذکوره در ماده سوم لازم بداند، مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند فرمود و اگر آن اراضی دائره باشد، صاحب امتیاز باید اراضی لازم را به قیمت عادلانه از اولیای دولت علیه خریداری کند و دولت علیه به صاحب امتیاز حق می‌دهد که اراضی و املاک لازم را به جهت اجرای این امتیاز به رضایت از صاحبان ایتباع یا اجاره کند. مشروط بر آن که هیچ وقت قیمت اراضی و املاک از قیمت عادلانه اراضی واقع در حول و حوش تجاوز ننماید. مسلم است که این خریداری موافق مواد شریاطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد.

توضیح - مقرر است که اماکن مشرفه و مساجد و جمیع متعلقات آنها به محیط دائره که شعاع آن دوپست زرع باشد، از حوزه عملیات مجزی و مستثنا است.

ماده پنجم: صاحب امتیاز متعهد است در موقع کشف و استخراج هر چشمه نفت وزارت فوائد عامه را به موجب راپرت مخصوص مطلع ساخته و دو نسخه نقشه که حداقل آن به مقیاس یکده هزارم باشد) از اراضی و محالی که می‌خواهد در آنها استخراج نفت نماید برابرت خود منظم نماید. هر گاه صاحب امتیاز، استخراج نفت را مفید به حال خود دانست، یکصد هزار منات نقد و یکصد هزار منات بیط اکسیون بدون حق استرداد باید به وزارت فوائد عامه بدهد و این تقدیمی به نحو مذکور یک دفعه خواهد بود.

ماده ششم: صاحب امتیاز متعهد است که هر ساله از منافع خالص صدی شانزده یا یک صورت بیلان به دولت علیه ایران تقدیم دارد.

ماده هفتم: دولت علیه ایران حق دارد در هر موقعی که مقتضی بداند برای حفظ حقوق خود و اطمینان از این که صاحب امتیاز مواد فوق‌الذکر را اجرا بنماید، تفتیشات لازم در کتابچه و دفاتر تجارتي صاحب‌امتیاز راجع به نفت و سایر مواد مذکوره بنماید و نیز یک نفر کمیسر برای این کار معین خواهد شد که طرف شور طرف صاحب امتیاز بوده و محض خیر این تاسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد به صاحب امتیاز داده همه نوع راهنمایی نماید و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند به عمل آورد. صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ شروع به عمل سالی شش‌هزار منات به کمیسر دولتی حق خواهد داد.

ماده هشتم: کلیه عمله و اجزایی که در تاسیس و بناهای فوق مشغول عملیات می‌شوند باید از اتباع ایران و رعایای اعلی‌حضرت شاهنشاهی دولت علیه

باشد؛ به استثنای اعضا و اجزای علمی و فنی. **ماده نهم:** تمام اسباب و ماشین‌آلات لازم برای تفتیش و تاسیس و ایجاد و دائر نمودن و بسط آنها که برای صاحب امتیاز لازم گردد، از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

ماده دهم: پس از انقضای مدت مقرر در این امتیاز کلیه اسباب و ماشین‌آلات و ابنیه و ساختمان متعلق به آنها از منقول و غیرمنقول و کلیه چاه‌ها و چشمه‌های نفت بالکلیه بدون استثنا متعلق به دولت علیه ایران خواهد بود. صاحب امتیاز و شرکای ایشان به هیچ وجه حق اعتراض و خسارت نخواهند داشت.

ماده یازدهم: اگر در مدت پنج سال از تاریخ این امتیاز شروع به عملیات نشود، این امتیاز از درجه اعتبار به کلی ساقط است.

ماده دوازدهم: منازعات طرفین درخصوص اجرای مواد و شرایط، امتیاز را بدین نحو قطع خواهند کرد که یک نفر از طرف وزارت فوائد عامه و یک نفر از طرف صاحب امتیاز معین خواهد شد در صورتی که مابه‌التزاع به حکمیت دو نفری قطع نشد، آن و حاکم مصوبه طرفین به رضایت هم، ثالثی را معین می‌کنند که در آن موضوع محل نزاع حکم و قطع و فصل نماید.

در طهران به دو نسخه نوشته شد
- شهر جمادی‌الاولی توشقان نیل ۱۳۳۴ -
امضا وثوق‌الدوله وزیر خارجه

ادامه دارد

بی‌نوشت‌ها:

۱. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۸، ص ۳۲۶.
۲. مرکز انتشارات ملی ایران، اسرار نفت شمال، تهران، مرکز انتشارات ملی ایران، ۱۳۲۳، ضمیمه.
۳. پیشین، صص ۳۲۷-۳۲۵.
۴. اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری، امتیاز نفت شمال به روایت اسناد نخست‌وزیری، ص ۱.
۵. مرکز انتشارات ملی ایران، پیشین، ضمیمه.
۶. الول ساتن، نفت ایران، ترجمه رضا رئیسی طوسی، تهران، نشر صابرین، ۱۳۷۲، ص ۵۲.
۷. اداره کل آرشیو، اسناد و موزه، پیشین، ص ۳.
۸. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، نشر البرز، چاپ دوم، ۱۳۷۴، صص ۱۳-۱۲.
۹. علی صفر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، نشر پروین و معنی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱.
۱۰. ایرج نوقی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت، تهران، نشر پازنگ، ۱۳۷۵، ص ۹۹.
۱۱. همان.
۱۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج دوم، ۱۳۵۹، صص ۹۲-۹۰.
۱۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۱۳.
۱۴. تلگراف حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن به احمد قوام رئیس‌الوزراء سوم دسامبر ۱۹۲۱.
۱۵. تلگرام احمد قوام رئیس‌الوزراء به حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن، ۱۱ دسامبر ۱۹۲۱.
۱۶. مرکز اسناد ریاست جمهوری، دریافت وام از امریکا به ازای واگذاری امتیاز نفت شمال، دفتر اسناد برگزیده شماره ۷۰، سند شماره ۱۰.
۱۷. همان، سند شماره ۲۳/۱.
۱۸. همان، سند شماره ۲۴.
۱۹. ماخذ شماره ۱۶، سند شماره ۳.
۲۰. مرکز اسناد ریاست جمهوری، پیشین، سند شماره ۳۴.
۲۱. پیشین، سند شماره ۳۵.
۲۲. پیشین، سند شماره ۳۸.
۲۳. پیشین، سند شماره ۱/۳.
۲۴. پیشین، سند شماره ۱/۲.